■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۶۳ ■ یکشنبه ■ ۱۸ خرداد ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

امام علی علیه السلام: بردباری پرده‌ای پوشاننده و عقل شمشیری برنده است، پس عیب‌های اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و با عقلت به جنگ هوی و هوست برخیز.
نهج البلاغه (صبحی صالح) ص۵۵۱، حکمت ۴۲۴

ادبیات تخیل را گسترش می‌دهد

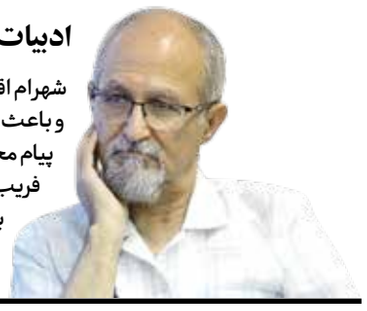

شهرام اقبال‌زاده: ادبیات در وهله اول عاطفه را پرورش می‌دهد، بعد تخیل را گسترش می‌دهد و باعث رشد تفکر انتقادی می‌شود. نوجوان با ادبیات یاد می‌گیرد هر کسی از راه رسید و چند پیام محبت‌آمیز داد، نامش عشق نیست. اگر نوجوان اینها را ببیند دیگر یک دختر ۱۴ساله فریب نمی‌خورد که دنبال پسر ۲۸ساله برود و پسر ۲۸ ساله یاد می‌گیرد این عشق نیست بلکه کودک آزاری است.

بخشی از گفت‌وگوی این مترجم و پژوهشگر با ایسنا

نگاره

فیروزه مظفری

اظهارات نژادپرستانه ترامپ

خبرنگاران جنجالی صداوسیما

حرف روز

حجت‌الله عباسی
دکترای مدیریت رسانه و مدرس دانشگاه

پدیده مهاجرت خبرنگاران مجرب صداوسیما به غرب هر از چندی سکوت فضای رسانه‌ای کشور را درهم می‌شکند و پس‌از مدتی کوتاه، مانند بسیاری از موضوعات دیگر به حاشیه رانده می‌شود.

در تازه‌ترین مورد، توئیت مرتضی غرقی خبرنگار ارشد صداوسیما و مجری برنامه«بدون مرز» شبکه دوم سیما در حساب کاربری توئیتر اصحاب رسانه‌ها را غافلگیر کرد. او نوشت: «دو خبرنگار ایرانی احمد صمدی و نیلوفر پورابراهیم را در تلویزیون ایران اینترنشنال دیدم. فلاح و دو خبرنگار قبلی صداوسیما هم به لندن مهاجرت کرده‌اند، تأسف خوردم که چرا نیروهایی که از جیب ملت تربیت شده‌اند اکنون در خدمت دشمنان ملت هستند، چرا؟» در موضوع مهاجرت خبرنگاران نفیاً و اثباتاً ورود نکرده و شرح آن را به خود مهاجران واگذار می‌کنم. خبرنگاران مهاجر اگر به رسالت کار خبرنگاری ایمان دارند، همچنان که یک عمر اصحاب قدرت را در مقابل افکار عمومی پاسخگو کرده‌اند، حالا به مصداق ضرب المثل فارسی «خیاط در کوزه افتاد»، باید درباره رفتار خود نیز به افکار عمومی پاسخ دهند. تجربه زیسته‌ام نشان می‌دهد و بر این باورم که دانش و مهارت‌های حرفه‌ای خبرنگاران دفاتر خارجی صداوسیما در مقایسه با محوریت مسائل سیاسی- جناحی، چندان اهمیت و اولویتی برای مدیران تصمیم گیر رسانه ملی ندارد. این اظهار نگرانی‌ها نیز چندان مشکل را به‌صورت ریشه‌ای حل نخواهد کرد.

در حال حاضر لیست بلند بالایی از مشخصات خبرنگاران مجرب دفاتر خارجی در دست داشته و از قضا با تعداد زیادی از آنها در یک گروه پیام رسان محشورم و به‌طور روزمره از دانش و تجربیات آنها می‌آموزم. این سرمایه‌های اجتماعی در سنوات قبل تجربه خبرنگاری بین‌المللی داشته و در دفاتری مانند لندن، بن، پاریس، مسکو، دهلی، کوالالامپور و بسیاری از شهرهای خبرخیز جهان فعالیت کرده و کوله باری از تجربیات ارزنده در کارنامه کاری دارند و در حال حاضر بازنشسته شده‌اند. بر اساس تجربه داوری افزون بر ۱۰هزار اثر خبری در ۱۷ جشنواره سراسری صداوسیما در طول دو دهه و در ادوار مدیریت‌های مختلف سازمان، اذعان می‌دارم این خبرنگاران نه تنها از لحاظ مهارت‌های حرفه‌ای از خبرنگاران مهاجر هیچ کم ندارند، بلکه تعدادی از آنها یک سر و گردن از آنان بالاترند. شوربختانه این سرمایه‌های فکری به حال خود رها شده‌اند و حتی به جلسات سازمانی برای کسب دانش و تجربه آنها نیز دعوت نمی‌شوند. در چنین شرایطی انتظار داریم با غول‌های خبری جهان هم رقابت کرده و مخاطبان رسانه ملی نیز به سوی رسانه‌های آن سوی آبی کوچ نکنند.

عجیب‌تر از اینها، اینکه سازمان ورود کارکنان بازنشسته خود با کارت شناسایی سازمانی را به داخل محوطه جام جم ممنوع کرده است! سازمانی که بخشی از نیروهای خلاق فرهنگی را با چوب می‌راند و پس از بازنشستگی آنها را حتی به درون خانه خودشان راه نمی‌دهد، چه انتظاری دارند که آنها در پایان مأموریت به کشور برگردند؟ یا در صورت شاغل بودن پس از بازگشت از مأموریت خارج از کشور، با کوله باری از تجربه بین‌المللی در مواردی زیر نظر سردبیرانی فعالیت کنند که تجربه مفید اندک سازمانی دارند! البته این موضوع به خبرنگاران دفاتر خارجی رسانه ملی محدود نمی‌شود. خبرنگاران برجسته‌ای در داخل هستند که به‌صورت مقیم در دفاتر خارجی نبوده‌اند، اما دهها مأموریت خبری مهم خارجی رفته‌اند یا خبرنگاران داخلی برجسته‌ای داریم که بسیار خلاق بوده‌اند و در جشنواره‌ها درخشیده‌اند و اکنون بازنشسته شده و در آرزوی دیدن محل کار سابق و دیدار و تبادل تجربه با همکاران قدیمی هستند. اینها نیز مانند سایر شهروندان فقط با آفیش امکان ورود به محوطه جام جم را دارند و در واقع سازمان چنین موارد پیش پاافتاده‌ای را نیز از آنان دریغ داشته است. وقتی نیروهای خبرنگار در بهترین وضعیت در داخل به‌طور میانگین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار در ماه درآمد دارند و در سازمان‌های رقیب به میزان ۱۵ تا ۲۰ برابر درآمد دارند. چگونه باید به وفاداری سازمانی رضایت دهند؟ ای کاش یک مقام ارشد رسانه ملی به چنین پرسش‌هایی پاسخ می‌داد. برچسب امنیتی زدن و امور را به دشمنان نسبت دادن، نوعی کلیشه‌سازی و ساده کردن امور بوده و گره‌ای را باز نخواهد کرد. اصولاً استفاده از تجربه و دانش خبرنگاران در رسانه‌هایی مرسوم است که فرآیند مدیریت دانش، جریان دارد. فرآیند تولید دانش سازمانی آنچنان که دو نظریه پرداز شهیر یعنی نوناکا و تاکوچی صورت‌بندی کرده‌اند؛ مشتمل بر یک چرخه مناسب برای اجتماعی کردن، آشکارسازی، تبدیل کردن و درونی کردن اطلاعات و دانش پرسنل سازمان است که شوربختانه چنین موضوعی در هرم سازمانی بسیار مرتفع و ساختار عریض و طویل رسانه ملی مشاهده نمی‌شود.

وقتی با صدور یک بخشنامه معمولی سرمایه‌های فکری و اجتماعی سازمان را به ثمن بخس حراج و از ورود به سازمان منع می‌کنند. چگونه می‌توان از چنین سرمایه‌هایی بدرستی بهره گرفت؟ تجربه نشان داده رسانه ملی نگران اتلاف این سرمایه‌ها نیست. بویژه پاره‌ای از آنها که پس از بازنشستگی دست به مهاجرت زده‌اند وقتی می‌شنوند، ممنوع الورودی به جام جم در انتظار آنهاست، عطای برگشت به کشور را به لقایش می‌بخشند.

در حال و هوای این روزهای تئاتر

صحنه‌های بی‌هوازی

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

صد روز «از» صدارت بلامنازع کرونا گذشته است و صد سااااااال «به» تئاتر! اگر پای «ادبیات» به گوشی‌های هوشمند گشوده شد و «سینما» اکران اینترنتی را تجربه کرد و صدای موسیقی از کنسرت‌های آنلاین شنیده شد، اما «تئاتر» کمتر توانست بر صحنه‌های «بی‌هوازی» پا بگذارد و دورادور در اوقات مخاطبان خویش بچرخد که هم‌نفسی و هم‌چشمی، شرط اول قدم تئاتر است. جهانی ملموس که جز در جمعیت و جماعت متولد نمی‌شود. این روزها برای تئاتر به دشواری گذشته است؛ دشوارتر از روزهای جنگ که به هرمصیبت، اندک سالن‌های تئاتر نفس می‌کشیدند و صحنه روشنی داشتند. با این همه اما همه هنر رنجور است. رنج اهل این خانه نه فقط رنج اقتصاد و اشتغال که نمادی از مواجهه است؛ مواجهه با مخاطبانی که به جست‌وجوی هم‌احوالی، از جمله مؤمنان هنرند و در میان مؤلفه‌های مؤثر در تألیف، مقام و منزلتی دارند. مسأله «مردم» مسأله تئاتر است و مقصور کردن ناخوش‌احوالی این روزها به دیگر رنج‌های کرونایی، کوتاهی در حق هنر است. این روزها دیر یا زود خواهد گذشت و به گواه تاریخ و تجربه‌های ماقبل کرونا، فراموشی به داد ما خواهد رسید اما هنر با برداشت جزئیات و برخوانی واقعیات، انسانِ عصر کرونا را تألیف خواهد کرد و جهان پیش‌اندیشیده‌ای را خواهد آفرید که می‌تواند فرداروزی به نجات نسلی کمک کند. تألیف بُحران، وظیفه هنر است و توقع تولید فی‌البداهه از هنرمندان می‌تواند مؤید جهل به سرشت و سرنوشت هنر باشد. کرونا، جهان را درنوردیده است و انسان در طول تاریخ هیچ‌گاه چنین سرگشتگی و تسلیمی را به خاطر ندارد. چنین عقوبتی را شاید می‌شد در حمله موجودات فرازمینی متصور بود که انسان به تجمیع تمام تاب و توان خود از نابودی زمین و موجودات زمینی جلوگیری می‌نمود. کرونا، تجسم چنین شرایطی است. وضعیت تجربه نشده‌ای که می‌تواند شباهت‌هایی به‌بحران‌های پیش از خویش داشته باشد اما افزون بر آن تغییرات و تحولاتی در زیستار درونی و محیطی انسان ایجاد کرده است که موقعیت منحصر به فردی محسوب می‌شود. جدال نافرجام «تئاتر تعطیل نیست» و «تئاتر تعطیل است» لحن و لهجه‌ای هنری ندارد و یادآور کسب و کارهایی است که مقصدی جز گذران معیشت و تجارت ندارند. اگر افق پیش روی گویندگان تئاتر تعطیل است؛ خاموشی سالن‌ها و سکوت صحنه‌هاست بله تئاتر تعطیل است اما اگر معتقد باشیم که تئاتر، هنری مؤلف است قطعاً در فروپاشی‌های انتظام عادی اجتماع و مصیبت‌های محتوم چنین وضعیتی، چشم نگرانِ تئاتر می‌بیند و می‌انگارد تا به وقت و بهنگام، ارزش‌افزوده‌ای از بحرانِ و بلا بیافریند. ماناترین آثار هنری نه در بسامانی و کامرانی که از پس شدائد و شوربختی‌های بشر رقم خورده است و همین نکته می‌تواند ما را از پیش‌قضاوت‌های درست و نادرست برحذر دارد. برخی آثار هم چون «طاعون» و «عشق سال‌های وبا» بر اساس همه‌گیری‌های تجربه شده تألیف شده‌اند و برخی آثار با پیش‌اندیشگی مؤلف، مصائب تجربه ناشده را پیش‌بینی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به «کوری» اشاره کرد. خوش‌بین باشیم که مؤلفان جامعه‌محوری هم چون رحمانیان، چرمشیر، ثمینی، امجد، بیان، لاریان و استعدادهای نسل نو، روایات خود را از این روزگار به متن تبدیل خواهند کرد و از نومناسبات اجتماعی متأثر از کرونا نمایشنامه خواهند ساخت. هم چنان که اگرچه از «جنگ»، دهه‌ها سپری شده است اما تولید آثاری نمایشی که از متن، میان‌متن و فرامتن جنگی برخوردارند، موید همین خوی و خصلت تئاتر است. توصیه مؤکد سیاستگذاران و متولیان دولتی به مشارکت هنرمندان در ثبت و ضبط حال و احوال این ایام متأثر از وقوف به اثربخشی برخی آثار هنری در پسابحران‌های پشت سر است و قطعاً این دعوت باید با چاره‌اندیشی‌های بهنگام و کم تأخیری که مسلّمات مالی و معنوی را پیش چشم دارد همراه گردد. آنچه که اکنون فرصت بازگو کردن آن می‌تواند باشد تقویت نظام ساختاری تئاتر و چابک‌سازی سازمانی است که از آن با عنوان اداره کل هنرهای نمایشی یاد می‌شود. تطبیق متناسب با آمار جمعیتی و اماکنی، توسعه کارکردهای اجتماعی تئاتر و الگوگیری از نظام‌هایی هم چون سینما می‌تواند گشایش‌گر باشد. تولیت جزیره‌ای تئاتر باید نه فقط در روزهای خوش که در ناخوشی‌های تئاتر نیز سری بر قامتی داشته باشد و صرفاً اداره کل هنرهای نمایشی، نباید صحنه‌گردان روزهای رنج و دشواری باشد. این روزها خواهد گذشت اما چگونه گذشتن شرط است...

عکس نوشت

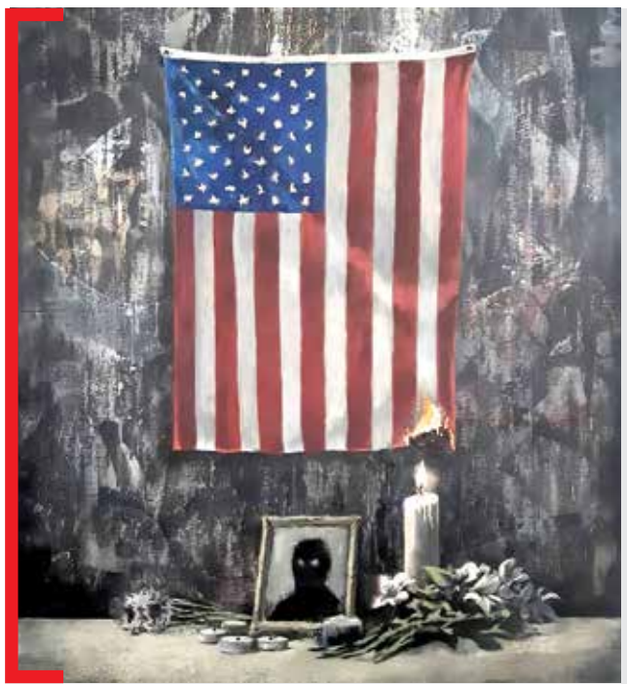

بنکسی در تازه‌ترین اثر هنری‌اش نسبت به قتل جورج فلوید سیاه‌پوست توسط پلیس واکنش نشان داد. این هنرمند گرافیتی بریتانیایی با هویت نامشخص و نام هنری بنکسی، تصاویری از آخرین اثر خود با موضوع لزوم واکنش همگانی به این ماجرا در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد. او در متنی در این باره نوشته است: «ابتدا فکر می‌کردم فقط باید خفه شوم و به حرف‌های سیاه پوستان در این باره گوش کنم. اما چرا باید این کار را بکنم؟ این مشکل آنها نیست. مشکل من است. رنگین پوستان دارند با این سیستم نابود می‌شوند. با این سیستم سفیدپوستان. مانند یک لوله شکسته در یک آپارتمان که باعث می‌شود زندگی آنهایی که در زیرپله‌ها زندگی می‌کنند، مختل شود. این سیستم مشکل دار زندگی آنها را نابود می‌کند اما تعمیر کردن این سیستم کار آنها نیست. آنها نمی‌توانند تعمیرش کنند. هیچ کس از ساکنان طبقات بالا به آنها اجازه نخواهد داد این کار را کنند. این مشکل سفیدپوستان است و اگر سفیدپوستان حلش نکنند یک نفر از پله‌ها بالا خواهد آمد و در خانه‌شان را خواهد زد.»

#طرح_ترافیک

هشتگ

بالاخره طرح ترافیک در تهران اجرا شد. همزمان با اجرای این طرح وسایل حمل‌ونقل عمومی شلوغ‌تر شدند و همین مسأله باعث شد کاربران زیادی به شهرداری تهران انتقاد کنند. کسانی که سوار مترو و اتوبوس شده بودند عکس و فیلم‌هایی از ازدحام جمعیت منتشر می‌کردند و درباره نگرانی‌شان برای اوج گرفتن کرونا می‌نوشتند: «یک نفر از این جمع اگه کرونا داشته باشه فاجعه مرگبار در تهران رخ می‌ده. اگر خطر نداره نمایندگان مجلس هر روز با مترو تردد کنن و ایستگاه بهارستان پیاده شن»، «با فعال شدن طرح ترافیک، امروز مترو تهران از دوران قبل از کرونا هم شلوغ‌تر شده بود. مردم توهم مجاله بودن و خیلی‌ها هم ماسک نزده بودن! با این تفاسیر احتمالاً من الان کرونا گرفتم...»، «اصرار بر اجرای طرح ترافیک آن هم در حالی که شیوع ویروس کرونا در روزهای اخیر در تهران روند صعودی به خود گرفته، با کدام منطق صورت می‌پذیرد؟»، «اجرای طرح ترافیک در پایتخت آن هم در این شرایط یک معنا بیشتر ندارد: درآمدی که نمی‌توان از آن چشم پوشید. اگر جز این است کاش مردم را قانع کنند و دلیل و برهان خود را بگویند.»، «طرح ترافیک دوباره اجرا شد؟ تموم شده؟ مسخره شونیم؟ از یه طرف تهدید می‌کنن موج دومه مراقب باشید از یه طرف طرح دوباره برقرار کردن؟ چی شده شهرداری جیبش به درد اومده؟»، «طرح ترافیک تهران در اوج بازگشت مقتدرانه کرونا، مجدداً برقرار شده تا شهرداری تهران بیش از این از سود روزانه ۱.۵ میلیارد تومانی‌اش محروم نماند! تجربه یک و نیم ماه اخیر این سؤال را مطرح کرد که آیا طرح ترافیک در سه دهه اخیر اثر خاصی روی ترافیک داشته یا صرفاً یک قلک بوده برای شهرداری؟»، «آمار کرونا رکورد زد، امروز طرح ترافیک اجرا شد زیبا نیست؟»، «امروز طرح ترافیک به‌صورت آزمایشی اجرا شد. مأموران انتظامی از سوار شدن مسافران بدون ماسک در مترو جلوگیری می‌کردن. جمعیت مترو هم به نسبت چند روز قبل تغییر محسوسی نکرده بود. هنوز نمیدونم لغو طرح مؤثر بوده یا نه، نتیجه اجرای طرح‌رو باید ۱۴ روز دیگه ببینیم؟»، «شهرداری، باید ۴ نفر زنده بمونن که بتونن بهت عوارض بدن یا طرح ترافیک بخرن. آینده نگر باش به فکر دو زار پول طرح ترافیک الان نباش. درسته از موقعی که طرح ملغی شده به خاطر نبود جای پارک در مرکز شهر ساعت کار من مختل شده ولی سلامت شهروندان از همه چی مهم‌تره»، «بر مبنای ۱۴ روز دوره اختفای کرونا ویروس در بدن و با توجه به بازگشایی‌های امروز از طرح ترافیک گرفته تا بقیه اماکنه، خدا کند آمار آخرین روزهای خرداد نماد فاجعه نباشند. بخصوص در تهران»، «بالاخره فشارهای ارگان‌های درآمد زا جواب داد و از امروز طرح ترافیک شروع به‌کار کرد. از جلوی مترو رد می‌شدم چقدر مردم به اجبار وارد ایستگاه مترو می‌شدند. اگر دو سه هفته دیگه روزی ۶ هزار نفر کرونا گرفتن بی‌شک شهرداری تهران و شورای شهر مقصر هستند.»، «دقت کردید روزهایی که طرح ترافیک اجرا نشد با روزهایی که اجرا شد، آلودگی هوا تغییری نکرد؟».

عکس: حامد قریب

شهروند مجازی
یگانه خدامی

قرعه‌کشی خودرویی

ماجرا

قرعه کشی ایران خودرو دیروز انجام شد و سایپا هم امروز قرعه کشی می‌کند تا برندگان بتوانند محصولات این دو خودروساز را با قیمت کمتر تهیه کنند. این قرعه کشی‌ها بازتاب زیادی داشت و کاربران زیادی درباره‌اش نوشتند. نوشته‌هایی که بیشتر انتقادی بود: «به‌عنوان کسی که تو قرعه کشی ایران خودرو اسمش در نیومده می‌گم، پرایدِ خودم خیلی بهتر از اون ۲۰۶ هستش»، «لاتاری گرین کارت ثبت‌نام کرده بودین شانس برنده شدنتون بیشتر از ماشین‌های ایران خودرو و سایپا بود!»، «برای اولین بار دلم برای ایران خودرو سوخت، ملت تو کامنتای اینستاگرام هی می‌گن زود باشید پیامک نتایج قرعه کشی رو بدید. اون ادمین بیچاره پیج هم مرتب جواب کامنتا رو می‌ده الان می‌دیم الان می‌دیم وایسا یه ذره»، «خب قرعه کشی سایپا و ایران خودرو تمام شد. مبارک فک و فامیلا و همه دلال‌ها باشه»، «تو قرعه کشی ایران خودرو، ۷ میلیون نفر شرکت کردن برای ۴۰ هزار خودرو! واقعاً عجیبه.»، «چشمام به صفحه پیامک گوشیم خشک شد. پس چرا ایران خودرو پیامک نمی‌زنه؟»، «ایران خودرو داره واسه ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ۱۵ هزار ماشین قرعه کشی می‌کنه، می‌کنه به‌عبارتی هر هزار نفر سه تا ماشین»، «این قرعه‌کشی ایران خودرو از استندآپ هم خنده‌دارتره. از این گردونه‌ها آوردن که توپا شماره دارن بعد می‌خوان واسه ۲۵ هزارتا خودرو قرعه‌کشی کنن. انگار مسابقه محله است»، «به گمونم فقط ننه بزرگ خدا بیامرز من، ایران خودرو ثبت‌نام نکرده»، «توی قرعه کشی ایران‌خودرو به ازای هر ۵۴۲نفر یه دونه پژو پارس وجود داشته»، «یه زمانی دعا می‌کردیم قرعه کشی برنده شیم ماشین ببریم الان دعا می‌کنیم برنده شیم ماشین بخریم»، «می‌دونستید احتمال قبولی در کنکور پزشکی دانشگاه‌ها از شانس قرعه‌کشی ثبت‌نام ایران‌خودرو و سایپا بیشتره؟»، «تو تاریخ بنویسین برای پراید قرعه کشی می‌کردن»، «اصلاً چرا خرید نیاز ضروری با قرعه کشی باید باشه؟!»، «از الان تماس‌های «داداش پول داری قرعه کشی اسمم دراومده ماشینو بفروشم پس می‌دم» شروع می‌شه»، «دیدم چند نفر با تیکه می‌گن: ۶میلیون نفر واسه قرعه کشی چندهزار ماشین ثبت‌نام کردن، واه واه و...آخه یکی نیست بگه: به چی تیکه میندازی؟! وقتی واسه مردم هزار تومن هم مهمه، چیزی که ممکنه ده‌ها میلیون براشون سود بده رو چرا ول کنن؟! تو اصلاً تو جامعه‌ای و طعنه می‌زنی؟!».

به نام تاریخ

■ **۱۸خرداد**

هشتادمین روز از سال ۹۹ پر از تولد چهره‌های فرهنگی و هنری ایران و جهان است. از سینمایی‌ها تا اهالی موسیقی و ادبیات.

■ **تولدها**

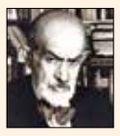

سعید نفیسی: امروز صدوبیست و پنجمین سالروز تولد نویسنده، شاعر و مترجم برجسته ایران است. سعید نفیسی از بنیان‌گذاران مکتب نثر دانشگاهی بود و او را معمار نثر جدید معاصر ایران می‌دانند. کتابخانه شخصی او گنجینه‌ای از آثار نظم و نثر فارسی بود و خودش کتاب‌هایی مانند «نیمه راه بهشت»، «ستارگان سیاه» و «ماه نخشب» را نوشت و آثاری از پوشکین، بالزاک و ماکسیم گورکی را به فارسی ترجمه کرد. سعید نفیسی آنقدر به زبان فارسی علاقه داشت که اگر یکی از دانشجویانش از کلمات زبان‌های دیگر در حرف‌هایش استفاده می‌کرد عصبانی می‌شد.

رضاقلی خان هدایت: ادیب، محقق، شاعر، تذکره نویس و البته رئیس دارالفنون هم امروز متولد شده است. او سال ۱۱۷۹ شمسی در تهران به دنیا آمد و کتاب‌هایی چون تاریخ روضة الصفای ناصری، فرهنگ انجمن آرای ناصری و سفارتنامه خوارزم به نامش ثبت شده است.

امروز تولد دو بازیگر از دو نسل را هم داریم. **جهانگیر الماسی** که امروز ۶۵ ساله می‌شود و **صابر ابر** که امروز ۳۶ سالگی اش را جشن می‌گیرد. **پیروز ارجمند** موسیقی شناس، آهنگساز و نوازنده نی، سه تار و تنبک و دف هم امروز ۵۰ ساله می‌شود.

کلاوس پیمان: میان چهره‌های فرهنگی و هنری خارجی، کارگردان مشهور تئاتر هم امروز تولدش را جشن می‌گیرد؛ این کارگردان آلمانی که لقب «پیتربروک آلمان» را هم به او داده‌اند. او در سال ۱۳۸۶ در جریان بیست وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نمایش «ننه دلاور و فرزندانش» را روی صحنه برد و با استقبال بسیار خوبی روبه رو شد.

اورهان پاموک: نویسنده ترکیه‌ای و محبوب برنده جایزه نوبل ادبیات امروز ۶۷ ساله می‌شود. او سال ۲۰۰۶ به‌عنوان اولین نویسنده ترکیه‌ای نوبل را برد و کتاب‌هایی چون زندگی نو، قلعه سفید، موزه معصومیت، نام من سرخ و استانبول: شهر و خاطره‌ها به نامش ثبت شده است.

امروز سالروز تولد **لوئیجی کومنچینی** کارگردان ایتالیایی است که از استادان ژانر کمدی ایتالیایی بود. فیلم‌های کازانووا و زن یکشنبه از آثار مشهور اوست.

■ **درگذشت‌ها**

غلامحسین نقشینه: ۱۸ خرداد سال ۷۵ بازیگری که با نقش دایی جان ناپلئون شناخته می‌شود درگذشت. غلامحسین نقشینه از بازیگران قدیمی سینما و تئاتر ایران بود که پس از پیروزی انقلاب هم در فیلم‌هایی چون ناخدا خورشید، افسون و ای ایران بازی کرد اما همچنان «دایی جان ناپلئون» بیشتر از تمام نقش‌هایش در ذهن مخاطبان زنده است. نقشینه هنگام مرگ ۸۸ سال داشت.

درباره سرزمین‌مان بیشتر بدانیم

چی بخوانیم

سهیل سمی
مترجم ادبیات

«رنج‌های ورتر جوان» اثری نوشته گوته است که به ترجمه محمود حدادی و با همراهی نشر ماهی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. کتاب مذکور تلفیقی از تراژدی و رمان است که در آن به فراز و نشیب زندگی ورتر، شخصیت اصلی کتاب پرداخته شده و تقریباً سبک و سیاقی مشابه زندگینامه دارد. رمان عاشقانه‌ای که آن را از آثار موفق گوته می‌دانند؛ او در خلال توصیف ماجراهای عاشقانه ورتر به نکاتی اشاره کرده که بی‌شباهت به زندگی خودش نیست. این رمان با اینکه در زمره نوشته‌های ادبی کلاسیک به شمار می‌آید اما اثری جذاب برای علاقه‌مندان ادبیات است. اما کتاب دیگری که مطالعه آن را به همه دوستداران کتابخوانی برای اطلاع از آنچه ما را به امروزمان رسانده توصیه می‌کنم یکی از آثار تألیفی انتشارات دانشگاه آکسفورد است. «تاریخ ایران» کتابی است که به همت این نشر تألیف شده و دوره تاریخی گسترده‌ای را شامل می‌شود؛ از تاریخ قبل هخامنشیان گرفته تا حتی دوره دولت اصلاحات در روزگار معاصر. این کتاب در قالب مجموعه‌ای مقاله نوشته شده، مقاله‌هایی که به سفارش نشر آکسفورد به گروهی از نویسندگان تألیف و منتشر شده‌اند. ترجمه این کتاب پژوهشی ارزشمند در کشورمان به همت گروهی از مترجمان انجام شده که سرپرستی آن را «تورج دریایی» به عهده داشته است. نکته جالب توجه اینکه در میان نویسندگان کتاب حتی نویسندگان ایرانی هم دیده می‌شود؛ هر چند که عمده آنان پژوهشگران خارجی هستند. شاید بپرسید اهمیت این کتاب از چه بابت است؟ در «تاریخ ایران» شما با اثری پژوهشی روبه‌رو می‌شوید که نه با نگاه خصمانه نوشته شده و نه به‌دنبال ارائه تاریخی اسطوره‌ای از ایران است. برای مطالعه این کتاب نیازی نیست که شما تخصص خاصی در حیطه تاریخ داشته باشید؛ همین که علاقه‌مند باشید بدانید سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم چه گذشته‌ای داشته و چه فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته تا به امروزمان رسیده کافی است. «تاریخ ایران» کتابی تک جلدی است که نگاه همه جانبه‌ای به گذشته و امروز کشورمان تا دوره دولت خاتمی دارد و مخاطبان می‌توانند از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی با دوره‌های مختلف این سرزمین کهن آشنا شوند؛ این کتاب از سوی نشر قفنوس در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

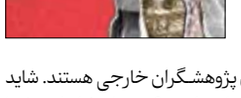

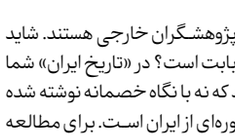

معرفی تصویری

معرفی تصویری یک کتاب تاریخ ایران

نورج دریایی استاد تاریخ ایران در دانشگاه کالیفرنیا با گردآوری مقالاتی از نویسندگان مختلف دست به انتشار کتاب تاریخ ایران زده است.

برنامه «کیو آر اسکنر» را می‌توانید از اپلیکیشن های مختلف دانلود کنید.